آیین شب یلدا روز اول دی

اختری، محمد علی

محمّد علی اختری-مدیر مسؤول و سردبیر مجله‏ی کانون سردفتران‏ باستان‏شناسان با کوشش بسیار،درصدد کشف و معرفی آثار باستانی براساس‏ بقایای ساختمان‏ها و اشیای فلزی و سفالی و کتب خطی و امثال آن‏اند،برای این که‏ سرگذشت و هویّت مردم یک مملکت را هرچه بیش‏تر در معرض اطلاع جهانیان قرار دهند،امّا بعضی از آثار اندیشه و زندگانی نیاکان ما در ذهن جمعی ملّت ما باقی مانده و نمود خارجی و تجسّم بیرونی ندارد،ولی وجود آن‏ها مسلّم است و از دلایل قدمت و خصایص ملّی ما هستند.این آثار،عقاید و رسوم و آداب محلی و ملّی-هم چون انواع‏ جشن‏ها،عزاداری‏ها،لطایف،ضرب المثل‏ها و افسانه‏ها-یادگار شفاهی از زندگانی و طرز تفکر اجداد دیرین ما و گویای سرگذشت مردم ما در قرن‏های پیش هستند.وظیفه‏ی ما حفظ و ثبت و معرفی این آثار و جلوگیری از نابودی آن‏ها می‏باشد.و بایستی این آثار فکری‏ و آداب و رسوم و اعیاد ملّی و باستانی را معرفی کنیم.

یکی از این آداب و رسوم،مراسمی‏ست که در شب آخر ماه آذر و روز فردای آن،یعنی‏ اول دی‏ماه گرفته می‏شود.این شب که طولانی‏ترین شب سال و روز(قبل از آن) کوتاه‏ترین روز سال است،به عنوان شب یلدا یا شب چله نامیده شده است.

مردم این جشن را با تناول خربزه یا هندوانه و تنقلات و میوه‏های خشک و شب‏نشینی‏ برگزار می‏کنند و به شادی و تفریح می‏پردازند.گویند هرکسی از خربزه و هندوانه و یا تنقلات شب یلدا یا شب چله میل نماید،در سال آینده از آفت تشنگی و گرسنگی و تنگ‏دستی در امان خواهد بود.امّا در زمان‏های بسیار دور در این شب آتش هم روشن‏ می‏کردند و فردای آن روز مراسمی انجام می‏شده که در این مقاله آمده است.این رسم در بیش‏تر اقوام آریایی هم مانند ژرمن‏ها و اسلاوها جشن گرفته می‏شده است.اکنون ببینیم‏ برای برگزاری این جشن مردم چه می‏اندیشیده‏اند و منشأ پیدایش این رسم از کجا بوده‏ است.

نام این جشن را جشن شب یلدا می‏گویند.کلمه‏ی یلدا یک واژه‏ی سریانی به معنی و زایش است که توسط مانی و پیروان مانی به ادبیات ایران وارده شده،چون شب تولد حضرت عیسی مسیح را آن شب می‏دانستند،لذا به آن شب یلدا می‏گفتند.نام دیگر این‏ شب،شب چله است،زیرا ایرانیان از اول زمستان تا دهم بهمن را چله‏ی بزرگ می‏نامند که‏ شب یلدا،شب اول چله بوده.در گذشته‏های دور این جشن را نود روز هم می‏گفتند،زیرا از این شب تا روز عید نوروز،درست 90 روز باقی مانده بوده است.طول شب یلدا،چهارده‏ ساعت و یک ربع ساعت و روز قبل آن نه ساعت و سه ربع ساعت می‏باشد.در ادبیات ما این جشن و شب آن شهرت خاصی دارد،به‏طور مثال سعدی می‏گوید:

یاد آسایش گیتی بزند بر دل ریش‏ صبح صادق ندمد تا شب یلدا نرود

و یا این که زلف زیبای یار را از لحاظ درازی و سیاهی به شب یلدا تشبیه می‏کنند.

امّا علت انجام این مراسم در این شب چه بوده است؟در این باره تحلیل‏گران اسطوره‏ها چند وجه نوشته‏اند که به‏طور اختصار بدان‏ها اشاره می‏کنم.

وجه اول-در زمانی بسیار دور،آغاز سال‏ از اول ماه مهر محسوب می‏شده و بخشی از مردم ایران هم مهرپرست بودند.مهر یا خورشید،ایزد محافظ پیمان و وفاداری و دوستی و آسایش فرض می‏شده است،چون از اول مهر تا پایان آذر روزها کوتاه‏تر و کوتاه‏تر و از ساعات روز کاسته می‏شده و از اول دی‏ماه، مهر یا خورشید از ضعیف‏ترین موضع خود آغاز به بالیدن می‏کرده و ساعات روز که زمان‏ تسلط خورشید بوده،طولانی‏تر می‏شده است و در مقابل تاریکی و شب که از آثار اهریمن‏ بوده،کم‏کم کاسته می‏شده،لذا آن شب را شب زایش مهر یا خورشید فرض کرده و جشن می‏گرفتند و چون معتقد به مبارزه‏ی‏ نیروی راستی و ایزدی با نیروی اهریمنی‏ بودند،با روشن کردن آتش،خورشید یا ایزد روشنایی را برای غلبه بر تاریکی یا اهریمن‏ یاری می‏کردند،بسان کودکی که از مادرزاده‏ شود و روز به روز برومند و بالیده گردد.

از سوی دیگر ایرانیان در محلی به نام‏ ایرانویچ یا ایران ویژه زندگی می‏کردند و این‏ محل بسیار سردسیر بوده،به طوری که ده ماه‏ سردی و زمستان و دو ماه گرما و تابستان بوده‏ است.لذا خورشید یا مهر را که منشأ گرما و روشنایی بوده،ایزد فرض نموده و اهریمن را که منشأ تاریکی و سردی می‏دانسته‏اند،دشمن‏ ایزد مهر می‏دانستند.جهنمی که در مذهب‏ ایرانیان قدیم وعده داده شده،جای بسیار سردی‏ست که از آن به نام زمهریر یاد کرده‏اند و جشن شب یلدا اقدامی بوده برای یاری مهر یا ایزد خورشید و ستیز با اهریمن.

وجه دوم-این است که در سال دویست‏ و هفتاد و دو پیش از میلاد،در شب بین شنبه‏ و یک‏شنبه،روز بیست و یکم ماه دسامبر یا مطابق شب اول دی‏ماه،شخصی به نام مهر مسیحا از مادری به نام ناهید یا آناهیتا در شرق‏ ایران‏زاده شد و سپس در بزرگ سالی ادعای‏ پیامبری کرد و آیینی بنیاد نهاد که نه تنها در ایران به صورت مذهبی رسمی درآمد،بلکه از ایران به روم سرایت کرده و به صورت مذهب‏ عامه‏ی مردم در آن‏جا ماندگار شد و لذا آن‏جا هم برگزاری جشن شب یلدا رواج کامل پیدا کرد.درباره‏ی این شخص باید کمی بیش‏تر توضیح دهیم که در سنّت زرتشتی طول عمر جهان دوازده هزار سال بوده که نه هزار سال آن قبل از زرتشت و در سر هر هزار سال بعدی شخصی از نسل زرتشت به نام‏ سوشیانت ظهور می‏کند و در حالی‏که دنیا پر از ظلم و جور شده،مردمان را به راه‏ راست هدایت خواهد نمود و آن را فرشکرد می‏نامیدند،یعنی نوسازی جهان.به این‏ دلیل ایرانیان معتقد بودند که مهر مسیحا همان موعود و منجی زرتشت بوده است. مهر مسیحا 64 سال در این جهان بوده و سپس به آسمان عروج نموده است و شب‏ قبل از عروجش به آسمان با دوازده نفر از شاگردان خود شام صرف نموده و سفارشات لازم را بدان‏ها گوشزد کرده است.مادرش دوشیزه آناهیتا باکره بوده و پس از تن‏شویی در دریاچه‏ی کیانسه(دریاچه‏ی هامون فعلی)به مهر آبستن شده، بدین معنی که فرّ ایزدی زرتشت پس از هزار سال در دریاچه‏ی کیانسه توسط 99999 فرشته نگهبانی می‏شده و هنگام تن‏شویی دوشیزه آناهیتا در آن دریاچه به‏ جسم آناهیتا منتقل گردیده است.این مهر را تجسم این جهانی ایزد مهر یا خورشید هم می‏دانسته‏اند.

این مهر مسیحا در تاریخ ادبیات ما بسیار معروف است.کلمه‏ی مهر،ابتدا میتر، میترا بوده و سپس در اثر تحولات زبان به میشا،مسیا و مسیح تبدیل شده است. اشعار حافظ جابه‏جا به مسیحا اشاره‏ها دارد.باید دانست این مسیحا غیر از حضرت‏ عیسی ناصری یا عیسی مسیح به عقیده‏ی مسیحیان مصلوب شده است.در قرآن‏ هم به مسیحی اشاره شده که به آسمان عروج کرده است و نام مادر او حضرت‏ مریم قید شده،حضرت مریم معروف به عذرا به معنی بی‏گناه و دارای عصمت است. نام مادر مهر مسیحا هم آناهیتا یا ناهید که ایزد آب‏ها بوده،معنی آن زن بدون‏ عیب و بی‏گناه یا دارای عصمت کلی است و حال آن‏که حضرت مسیح پیامبر عیسویان به قول آن‏ها مصلوب شده است،ولی مهر مسیحا 272 سال قبل از میلاد حضرت‏ مسیح پیامبر مسیحیان بوده است و بعد هم به آسمان عروج کرده است.این مذهب‏ مهرپرستی در اوایل سلسله‏ی اشکانیان از شرق ایران پدیدار شده و سراسر دنیای متمدن‏ آن روز را درنوردیده و در روم هم به صورت مذهب عامه درآمده است.مراسم این مذهب‏ مانند مقدس بودن یک‏شنبه(روز زایش مهر)،شب یلدا و شام آخر و ناقوس کلیسا و شراب‏ متبرک و تقسیم نان و آب از مذهب مهر مسیحا ناشی شده و در روم قبل از میلاد رواج‏ داشته است.

بعد از ظهور حضرت عیسی ناصری پیامبر مسیحیان این رسوم مورد علاقه‏ی مردم‏ عینا از مذهب مهر مسیحا به مذهب حضرت عیسی مصلوب سرایت کرده است.تولد حضرت عیسی ناصری پیامبر عیسویان روز شش ژانویه بوده،به علّت علاقه مردم روم به‏ شب یلدا در سال 354 بعد از میلاد به روز 21 دسامبر یا اول دی‏ماه روز قبل از شب یلدا (شب تولد مهر مسیحا)تبدیل به شب تولد حضرت عیسی مسیح ناصری شده است.بعدها به علّت اشتباه محاسبه سال‏های کبیسه،شب تولد عیسی ناصری به شب 25 دسامبر تغییر داده شده است.اکنون هم بعضی از فرقه‏های مسیحی تولد شب تولد حضرت عیسی‏ ناصری را ششم ژانویه می‏دانند و به همین علت شب یلدا در میان مسیحیان هم جشن‏ گرفته می‏شود.

وجه سوم-در ایران پیش از اسلام،روزهای ماه هرکدام نامی جداگانه داشته و ماه‏های دوازده‏گانه هم به یکی از آن اسامی روزها نامیده می‏شده است و هر زمان که نام‏ روز به نام ماه باهم تطبیق می‏کرده،آن روز را جشن می‏گرفتند.نام ماه دهم هر سال هم‏ به نام ماه دی معروف است.کلمه‏ی دی یعنی خداوند که از کلمه‏ی دادار به معنی پروردگار مشتق شده است،لذا روز اول دی‏ماه و شب قبل از آن به نام خدا هم با ماه خدا(دی‏ماه) تطبیق می‏کرده است،مردم آن را مقدس و مبارک دانسته و جشن گرفته و نیایش‏ می‏کردند.به قول ابو ریحان بیرونی،روز اول دی‏ماه،روز خوره(-فرّ یا خدا)یا روز خرم‏ نامیده می‏شده و در آن روز بار عام داده می‏شده و مردم از طبقات مختلف بدون هیچ مانع و رادعی در بیرون از کاخ سلطنتی با شاه ملاقات می‏کردند و بر سر یک سفره می‏نشستند و تصویر صفحه مراجعه شود) عرایض و شکایات خود را حضورا مطرح و تقاضای رسیدگی می‏کردند.شب قبل از آن، یعنی شب یلدا را هم در پشت بام‏ها آتش‏ روشن می‏کردند و داخل خانه‏ها را هم‏ به وسیله‏ی چراغ نورانی و روشن می‏نمودند.

وجه چهارم-ایرانیان قدیم روز و روشنایی را از اهورامزدا و تاریکی و شب را از اهریمن می‏دانستند و معتقد بودند که یاران‏ اهریمن در شب‏ها بیرون آمده و در تاریکی به‏ افساد مشغول می‏شدند و شب یلدا را که‏ طولانی‏ترین شب سال و تاریک‏ترین شب آن‏ می‏دانستند و آن را مظهر اوج قدرت‏نمایی‏ اهریمن و یاران او به حساب می‏آوردند،لذا وظیفه‏ی خود می‏دانستند که در آن شب به‏ یاری نیروهای ایزدی(روشنایی و روز)بشتابند و از نیروی اهریمن بکاهند و با او مبارزه کنند و جشن شب یلدا یادگار آن است.

منابع و مآخذ

1-جستاری درباره‏ی مهر،دکتر محمّد مقدم.2-گاه شماری و جشن‏های ایرانیان‏ باستان،هاشم رضی.3-میتراییزم یا مهرپرستی،هاشم رضی.4-تقویم و تاریخ‏ در ایران،ذبیح بهروز.5-جشن‏های ایران‏ باستان،دکتر پرویز رجبی.6-لغت‏نامه‏ی‏ دهخدا،علامه علی اکبر دهخدا.